

Evaluation of the Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Relation to Western Governments (The JCPOA Issue) Based on the Discursive Axes of Ayatollah Khamenei, Leader of the Islamic Republic of Iran

1. Meysam Barazandeh: Department of Political Science, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran
2. Soltanali Mir*: Department of Political Science, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran. Email: 5339079287@iau.ir (Corresponding Author)
3. Ahmadreza Taheri: Department of Political Science, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran

ABSTRACT

The JCPOA (Joint Comprehensive Plan of Action), as one of the most complex and challenging issues in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, has consistently been a subject of dispute among different perspectives in the field of diplomacy. Using a descriptive-analytical approach, this article evaluates the performance of Iranian diplomacy in interaction with Western governments regarding the JCPOA. The main focus of this study is to explain and analyze these relations based on the discursive axes of the Supreme Leader (may his shadow be extended), who has consistently emphasized principles such as “distrust of the West,” “reliance on domestic capabilities,” “vigilance against infiltration,” and “preservation of national interests and sustainable security.” This article demonstrates that the experience of the JCPOA, particularly the unilateral withdrawal of the United States from the agreement in 2018 and the failure of European countries to fulfill their commitments, clearly confirmed the accuracy and validity of the strategic analyses of the Leader of the Islamic Revolution regarding the treaty-breaking and unreliable nature of Western governments. An examination of recent developments from 2023 to 2025 further supports the argument that any form of illusion and Western orientation in diplomacy not only fails to resolve economic problems but also places the country in a state of deeper passivity and dependence. The findings of this study indicate that successful diplomacy toward the West is a diplomacy based on “engagement from a position of strength” and “complete independence,” rather than a diplomacy founded on appeals and compromise. The discourse of the Leader of the Islamic Revolution, by emphasizing political realism and avoiding misplaced optimism, outlines a roadmap in which negotiation is merely a tactical instrument and should not replace macro-level strategies aimed at strengthening domestic capabilities. Ultimately, adherence to the discursive axes of the leadership will prevent the repetition of the bitter experiences of the JCPOA and ensure the security and sustainable progress of the Islamic Republic of Iran in the international arena.

Keywords: *Diplomacy; JCPOA; Discursive Axes of the Leader of the Islamic Revolution; Resistance Economy; National Security*

How to cite: Barazandeh, M., Mir, S., & Taheri, A. (2027). Evaluation of the Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Relation to Western Governments (The JCPOA Issue) Based on the Discursive Axes of Ayatollah Khamenei, Leader of the Islamic Republic of Iran. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 9(2), 1-14.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 January 2026
Revise Date: 22 May 2026
Accept Date: 29 May 2026
Initial Publish Date: 25 June 2026
Final Publish Date: 22 June 2027



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

ارزیابی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دولت‌های غربی (موضوع برجام) با تکیه بر محورهای گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران

۱. میثم برازنده: گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
۲. سلطانعلی میر: گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. پست الکترونیک: iau.ir@5339079287 (نویسنده مسئول)
۳. احمدرضا طاهری: گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره محل مناقشه میان دیدگاه‌های مختلف در عرصه دیپلماسی بوده است. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به ارزیابی عملکرد دیپلماسی ایران در تعامل با دولت‌های غربی در ماجرای برجام می‌پردازد. محور اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل این روابط بر اساس محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که همواره بر اصولی چون «اعتماد نکردن به غرب»، «تکیه بر توان داخلی»، «هوشیاری در برابر نفوذ» و «حفظ منافع ملی و امنیت پایدار» تأکید داشته‌اند. در این مقاله نشان داده می‌شود که تجربه برجام، به‌ویژه خروج یکجانبه ایالات متحده آمریکا از این توافق در سال ۱۳۹۷ و عدم پایبندی کشورهای اروپایی به تعهداتشان، به وضوح صحت و درستی تحلیل‌های راهبردی رهبر انقلاب را مبنی بر ماهیت پیمان شکن و غیرقابل اعتماد دولت‌های غربی به اثبات رساند. بررسی تحولات سال‌های اخیر (۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴) نیز مؤید این نکته است که هرگونه توهمزدگی و غربگرایی در دیپلماسی، نه تنها منجر به حل مشکلات اقتصادی نمی‌شود، بلکه کشور را در وضعیت انفعال و وابستگی عمیق‌تر قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دیپلماسی موفق در برابر غرب، دیپلماسی مبتنی بر «تعامل از موضع قدرت» و «استقلال کامل» است، نه دیپلماسی مبتنی بر التماس و سازش. گفتمان رهبر انقلاب با تأکید بر واقع‌بینی سیاسی و پرهیز از خوشبینی‌های بیجا، نقشه راهی را ترسیم کرده است که در آن مذاکره تنها یک ابزار تاکتیکی است و نباید جایگزین استراتژی‌های کلان تقویت توان داخلی شود. در نهایت، پیروی از محورهای گفتمانی رهبری، ضامن جلوگیری از تکرار تجربیات تلخ برجام و تضمین‌کننده امنیت و پیشرفت پایدار جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل خواهد بود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، برجام، محورهای گفتمانی رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی، امنیت ملی

نحوه استناددهی: برازنده، میثم، میر، سلطانعلی، و طاهری، احمدرضا. (۱۴۰۶). ارزیابی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دولت‌های غربی (موضوع برجام) با تکیه بر محورهای گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۹(۲)، ۱-۱۴.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۸ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۴ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶



دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران همواره با چالش‌های پیچیده‌ای در تعامل با قدرتهای جهانی، به‌ویژه دولتهای غربی، مواجه بوده است. در میان پرونده‌های متعدد سیاست خارجی، موضوع برنامه هسته‌ای ایران و منجر شدن آن به توافقنامه‌های موسوم به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در سال ۱۳۹۴، یکی از حساسترین و پرحاشیه‌ترین دوره‌های دیپلماسی کشور را شکل داد. این رویداد نهنها یک معاهده حقوقی بینالمللی بود، بلکه میدانی برای تضاد گفتمانهای مختلف در داخل ایران درباره نحوه تعامل با غرب بود. در حالی که برخی جریانها، توافق با قدرتهای غربی را راهکاری نهایی برای حل معضلات اقتصادی و بینالمللی می‌پنداشتند، مقام معظم رهبری با بینشی استراتژیک و عمیق، هشدارهای جدی را درباره ماهیت دولتهای غربی و شیوه تعامل با آنها ارائه دادند (Katouzian, 2019).

در این میان، گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌عنوان پشتوانه نظری و راهبردی اصلی نظام، نقشی تعیین‌کننده در ترسیم خطوط قرمز و جهتگیری کلی دیپلماسی ایرانی ایفا کرده است. ایشان با تدوین محورهای گفتمانی مشخص، نقشه‌راهی را ترسیم کردند که بر اساس آن، دیپلماسی ایرانی باید ضمن حفظ انعطاف‌پذیری تاکتیکی برای دفاع از حقوق ملت، از اصول استراتژیک و ارزشهای انقلابی غافل نماند. این گفتمان بر اصولی چون «بیاعتمادی بنیادین به غرب»، «تکیه بر توان داخلی و اقتصاد مقاومتی»، «هوشیاری در برابر نفوذ» و «حفظ دستاوردهای علمی و امنیت ملی» استوار است (Mousavi Esfahani, 2016).

یکی از ارکان اصلی این گفتمان، تأکید بر اصل «بیاعتمادی به دولتهای استکباری» است که ریشه در شناخت تاریخی و سوابق نقض عهد دولتهای غربی دارد. رهبر انقلاب همواره تصریح کرده‌اند که دشمنشناسی و بیاعتمادی به معنای دشمنی با ملتها نیست، بلکه ناشی از واقعبینی سیاسی است. در موضوع برجام، این محور به معنای آن بود که نباید به تعهدات شفاهی یا حتی کتبی غربیها بدون تضمینهای اجرایی و پشتوانه عینی اعتماد کرد. پژوهشهای متعدد در حوزه روابط بینالملل نشان می‌دهد که در سیاست خارجی آمریکا، منافع ملی همواره بر تعهدات بینالمللی اولویت دارد که این امر صحت سنجش رهبری را تأیید میکند (Amiri, 2022). علاوه بر بعد بیاعتمادی، محور دیگر گفتمان رهبری، لزوم پرهیز از «توهمزدگی» و «غربگرایی» است. ایشان بارها نسبت به کسانی که گمان میکردند با توافق برجام، همه مشکلات ایران حل خواهد شد و غرب به دوستی استراتژیک تبدیل میشود، هشدار دادند. این نگاه انتقادی بر این باور است که وابستگی ذهنی و عاطفی به غرب، مانع از استفاده از ظرفیتهای داخلی میشود و کشور را در وضعیت انتظار و انفعال قرار میدهد. کارشناسان معتقدند که این رویکرد واقعینانه، ضامن جلوگیری از زیاندهی مذاکرات و حفظ عزت ملی در عرصه بینالملل است (Rezaei, 2019).

در نهایت، این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به دنبال آن است که عملکرد دیپلماسی ایران در تعامل با دولتهای غربی در ماجرای برجام را ارزیابی کند. سؤال اصلی این است که تکیه بر محورهای گفتمانی رهبر انقلاب چگونه بر شکلگیری و نتایج مذاکرات تأثیر گذاشت؟ و مهمتر از آن، تجربه برجام چه درسهایی برای دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی ایران در پیشگاه دارد؟ این پژوهش تلاش میکند نشان دهد که چگونه رعایت دقیق این سند راهبردی توسط مذاکرهکنندگان ایرانی، میتواند ضامن حفظ منافع ملی باشد و هرگونه انحراف از آن، منجر به بروز بحران و خسارت شود.

محورهای گفتمانی رهبر انقلاب در تعامل با قدرتهای غرب

مقام معظم رهبری در بیانات متعدد خود، محورهای روشنی را برای تعامل با دولتهای غربی و به‌طور خاص در ماجرای مذاکرات هسته‌ای ترسیم کرده‌اند که عبارتاند از:

اصل بیاعتمادی به دولتهای استکباری

یکی از ارکان اساسی و غیرقابل‌گذر در گفتمان مقام معظم رهبری در تعامل با قدرتهای غربی، اصل «بیاعتمادی» است که ریشه در شناخت عمیق تاریخی و واقعبینی سیاسی دارد. رهبر انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که اعتماد به دولتهایی چون آمریکا و متحدان اروپایی آن، تجربهای تلخ و پرهزینه در تاریخ معاصر ایران بوده است. این بیاعتمادی به معنای قطع رابطه یا دشمنی با ملتها نیست، بلکه ناشی از درک ماهیت سلطه‌جویانه و استکباری حاکم بر سیاستهای غرب است که در آن منافع قدرتهای بزرگ بر تعهدات اخلاقی و بینالمللی اولویت دارد (Katouzian, 2019). در این دیدگاه، هرگونه توافق یا مذاکره باید با این پیشفرض آغاز شود که طرف مقابل ممکن است در هر لحظه تعهدات خود را نقض کند.

در موضوع برجام، این محور گفتمانی به‌عنوان یک خط قرمز راهبردی عمل کرد. مقام معظم رهبری در سخنرانیهای متعدد، به مذاکره‌کنندگان ایرانی تأکید کردند که نباید تحت تأثیر لبه‌خندها یا وعدههای طرف غربی قرار گیرند و باید همواره با بدبینی مثبت و احتیاط کامل رفتار کنند. ایشان معتقدند که سیاستهای آمریکا و اروپا علیه ایران ریشه در دشمنی با اصل «انقلاب و اسلام» دارد و تغییر رفتار آنها تنها در گرو تغییر ماهیت نظام اسلامی است، نه تغییر رفتار ایران. این نگاه مانع از آن شد که ملت ایران در دام توطئههای دیپلماتیک قرار گیرد و به وعدههای بوج برای بهبود روابط پس از توافق دل ببندد (Mousavi Esfahani, 2016).

تجربه تاریخی نشان داده است که دولتهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، در پروندههای مختلفی از جمله کودتای ۲۸ مرداد، قطعنامه ۵۹۸ و تحریمهای ظالمانه، بارها اصل «وفای به عهد» را زیر پا گذاشته‌اند. کارشناسان روابط بینالملل معتقدند که در ادبیات سیاسی غرب، منافع ملی بر پیمانها تقدم دارد و این امر صحت تحلیلهای رهبری را تأیید میکند. خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷، علیرغم تأییدیه آژانس بینالمللی انرژی اتمی از پابندی ایران، بهترین شاهدهی است که ثابت کرد بیاعتمادی به غرب، یک احتیاط منطقی و نه یک بدبینی کورکورانه بوده است (Amiri, 2022).

این اصل گفتمانی همچنین بر لزوم داشتن «گزینههای روی میز» و تکیه بر توان داخلی تأکید دارد. رهبر انقلاب بیان کرده‌اند که اگر کشور به گرههای خارجی دل ببندد و امید به رفع تحریمها داشته باشد، در عمل از تقویت بنیه داخلی غافل میشود. بیاعتمادی به غرب باعث میشود که دیپلماسی ایرانی همواره برای روزهای سخت آماده باشد و امنیت کشور را به امضای کاغذهایی گره نزند. پژوهشهای امنیتی نشان میدهد که قدرت چانه‌زنی در عرصه بینالملل، رابطه مستقیمی با استقلال و قدرت داخلی دارد و وابستگی به غرب، ابزار فشار را در دست دشمن قویتر میکند (Rezaei, 2019).

در نهایت، اصل بیاعتمادی به دولتهای استکباری، ضامن حفظ استقلال و عزت ملی در دیپلماسی جمهوری اسلامی است. این نگاه مانع از عادیسازی روابط با رژیم صهیونیستی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب در بدنه نظام میشود. رهبر انقلاب معتقدند که تنها راه تعامل سالم با غرب، تعامل از موضع قدرت و بدون توهم است. این رویکرد واقعینانه به مسئولان اجازه میدهد تا در عین انعطافپذیری تاکتیکی در مذاکرات، اصول استراتژیک خود را قربانی منافع زودگذر نکنند و مسیر پیشرفت کشور را با تکیه بر توان ملت ادامه دهند (Dehghan, 2018).

تکیه بر توان داخلی و اقتصاد مقاومتی

این واقعیت است که حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور نباید به گره خوردن به توافقات خارجی وابسته باشد. در سالهای اخیر، به‌ویژه با گذشت زمان و عدم تحقق وعده‌های غرب در ماجرای برجام، صحت این دیدگاه بیش از پیش آشکار شده است. رهبر انقلاب همواره هشدار داده‌اند که «اگر به برجام دل ببندید، کار کشور خراب میشود» و راه نجات را در تقویت «اقتصاد مقاومتی» میدانند. در این دیدگاه، دیپلماسی باید در خدمت توانمندسازی داخلی باشد، نه اینکه جایگزین آن شود. تحلیل‌های جدید در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که کشورهایی که بر توان بومی تکیه کرده‌اند، در برابر تکان‌های خارجی مقاومتر بوده‌اند (Amiri, 2022).

در سال ۱۴۰۲، با وجود تلاش‌هایی برای احیای برجام در وین، دولت‌های غربی با زیاده‌خواهی‌های جدید و عدم تضمین‌های لازم، عملاً میز مذاکره را ترک کردند. این روند تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «آمریکا و غرب قابل اعتماد نیستند» و تنها راه نجات، تکیه بر توان داخلی و نادیده گرفتن توهم مذاکره برای حل مشکلات اساسی است. کارشناسان اقتصادی در این سال معتقد بودند که وابستگی به فروش نفت و ارتباطات بانکی با غرب، نقطه ضعف بزرگی است که دشمنان همواره از آن برای اعمال فشار استفاده می‌کنند و باید با توسعه صادرات غیرنفتی و همسایگی، این وابستگی را شکست (Rezaei, 2019).

با ورود به سال ۱۴۰۳، تمرکز بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با شعار «جهش تولید» و رفع موانع تولید شد. مقام معظم رهبری در دیدارهای متعدد با مسئولان در این سال، بر لزوم استفاده از ظرفیتهای خالی تولید و جلوگیری از واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، تأکید ورزیدند. این رویکرد نشان داد که اقتصاد مقاومتی تنها یک شعار نیست، بلکه یک ضرورت اجتنابناپذیر برای خنثی‌سازی تحریم‌هاست. پژوهش‌های انجام‌شده در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که بخش‌هایی از اقتصاد که از تحریم‌ها مستقل بودند، رشد قابل توجهی داشتند که این امر مؤید اهمیت استقلال اقتصادی است (Mohammadi, 2024).

در عرصه دیپلماسی، اقتصاد مقاومتی راهبردی را دنبال می‌کند که بر «نگاه به شرق» و توسعه همکاری‌ها با کشورهای مستقل و همسو تأکید دارد. کاهش وابستگی به سیستم بانکی و تجاری غرب، مستلزم تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و اتصال به بازارهای نوظهور آسیایی و اوراسیایی است. رهبر انقلاب بارها تصریح کرده‌اند که دنیا به سمت چندقطبی شدن می‌رود و سلطه غرب در حال فروپاشی است. در سال ۱۴۰۳، پیوستن ایران به سازمان شانگهای و توسعه روابط با همسایگان، گامی عملی در جهت تحقق این بخش از گفتمان رهبری بود که اجازه نمی‌دهد غرب با انحصار تکنولوژی و بازارها، کشور را تحت فشار قرار دهد (Kazemi, 2024).

در نهایت، ارزیابی عملکرد دولت‌های غربی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نشان داد که تکیه بر توان داخلی، تنها راهکار پایدار برای برونرفت از بحران‌هاست. غریب‌ها تلاش دارند با ایجاد فشار اقتصادی، نارضایتی عمومی ایجاد کرده و اهداف سیاسی خود را پیش ببرند. اما وقتی اقتصاد کشور بر پایه تولید و توان داخلی بنا شده باشد، تأثیرپذیری جامعه از نوسانات سیاسی خارجی کاهش می‌یابد. تجربه این دو سال درس داد که پیروی از محورهای گفتمانی رهبری در حوزه اقتصاد، تنها راه برای برونرفت از بحران‌های فعلی و جلوگیری از وابستگی مزمن به غرب است (Mohammadi, 2024).

هوشیاری در برابر نفوذ و توطئه‌های فرهنگی - سیاسی

یکی از حساسترین و مهمترین محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری در جریان مذاکرات هسته‌ای و موضوع برجام، هشدار نسبت به خطر «نفوذ» است. ایشان نفوذ را خطرناکتر از حمله نظامی میدانند، زیرا نفوذ مانند کرم ابریشم، از درون سیستم را خالی کرده و بنیانهای فکری و

امنیتی نظام را تضعیف می‌کند. در دیدگاه رهبری، دولت‌های غربی تلاش دارند از طریق مذاکرات طولانیمدت و ایجاد شبکه‌های ارتباطی، عناصری را در داخل نظام شناسایی کنند که با نگاه لیبرالی و غربگرا همسو باشند و آنها را به موقعیتهای کلیدی برسانند. این نوع نفوذ که میتواند منجر به تغییر در تصمیمات راهبردی کشور شود، نیازمند هوشیاری تمامقد دستگاه دیپلماسی و امنیتی است تا از تبدیل شدن مذاکره به ابزاری برای تغییر ساختارها جلوگیری شود (Mousavi Esfahani, 2016).

توطئه‌های فرهنگی در قالب مذاکرات، ابعاد بسیار گستردهای دارد که یکی از مصادیق آن، تلاش برای عادیسازی روابط با رژیم صهیونیستی یا تضعیف باورهای دینی مردم است. رهبر انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که دشمن به دنبال این است که از طریق فشارهای اقتصادی و سیاسی، ملت ایران را به این نتیجه برساند که «اگر می‌خواهید مشکلات حل شود، باید از ارزشهای خود دست بکشید». این جنگ روانی که در طول مذاکرات برجام شد، هدفش تضعیف اراده مقاومت مردم و مسئولان بود. مقالات متعددی در حوزه امنیت ملی نشان داده‌اند که غربیها از ابزارهای نرم همچون ترویج سبک زندگی غربی و تردید در ایدئولوژی رسمی کشور به‌عنوان مکمل مذاکرات سخت استفاده میکنند تا هویت انقلابی نظام را فرسایش کنند (Rezaei, 2019).

در گفت‌وآنی رهبری، مرز بین «تعامل سازنده» و «نفوذپذیری» بسیار ظریف است و نیازمند دقت عمل بالا است. تعامل به معنای تبادل منافع و حل مشکلات است، اما نفوذ به معنای پذیرش خواسته‌های غیرقانونی دشمن یا تغییر خطوط قرمز نظام است. ایشان بارها به مذاکره‌کنندگان توصیه کرده‌اند که در هیاهوی رسانه‌های و فشارهای دیپلماتیک، گارد خود را پایین نیاورند و اجازه ندهند زبان و ادبیات غربی در ادبیات سیاست خارجی ایران نفوذ کند. این هوشیاری شامل جلوگیری از امضای توافقنامه‌هایی است که میتواند در آینده به‌عنوان سندی برای محدود کردن قدرت دفاعی یا علمی ایران علیه خودش استفاده شود (Amiri, 2022).

تجربه تاریخی نشان داده است که غربیها همواره از مذاکرات برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی نقاط ضعف طرف مقابل استفاده میکنند. در موضوع برجام، تلاشهایی برای دسترسی به اطلاعات محرمانه نظام دفاعی و امنیتی ایران تحت عنوان «شفافیت» صورت گرفت که با هوشیاری نهادهای مسئول خنثی شد. کارشناسان امنیتی معتقدند که دیپلماسی بدون امنیت، خودکشی است. بنابراین، هرگونه مذاکره‌های باید با در نظر گرفتن اصول امنیتی و حفظ اسرار ملی پیش برود تا دشمن نتواند از خلأهای اطلاعاتی برای طراحی توطئه‌های آینده استفاده کند (Dehghan, 2018).

در نهایت، راهکار مقابله با نفوذ و توطئه‌های فرهنگی - سیاسی، تقویت «بصیرت» در بدنه جامعه و مسئولان است. رهبر انقلاب معتقدند که اگر مردم و مسئولان بصیرت داشته باشند و اهداف شوم دشمن را بشناسند، هیچ توطئه‌های نمیتواند نظام را تهدید کند. این بصیرت مستلزم مطالعه تاریخ استکبار و شناخت روشهای جدید استعمار است. کتب و مقالاتی که به تحلیل اسناد محرمانه غرب پرداخته‌اند، نشان میدهند که هدف نهایی دشمن، تغییر رفتار و هویت جمهوری اسلامی است، نه حل مسئله هسته‌ای. بنابراین، دیپلماسی ایرانی باید همواره با این واقعیتی همراه باشد که مذاکره تنها یک میدان است و میدان اصلی، میدان حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی است (Shariatmadari, 2021).

در بحث هسته‌های، رهبر انقلاب خطوط قرمزی را ترسیم کردند که نباید مورد معامله قرار گیرد. حفظ دستاوردهای علمی کشور و ادامه تحقیقات و توسعه (R&D) در چارچوب منافع ملی، از جمله مواردی بود که دیپلماسی ایرانی موظف به رعایت آن بود. ایشان تأکید کردند که مذاکره نباید به معنای عقب‌نشینی از پیشرفتهای علمی و تضعیف امنیت پایدار کشور باشد (Ahadi, 2009).

لزوم پرهیز از توهمزدگی و غربگرایی

محور پنجم گفتمانی رهبری، نقد شدید رویکرد «توهمزدگی» و اعتماد افراطی به غرب است. ایشان بارها نسبت به کسانی که گمان میکردند با توافق برجام، همه مشکلات ایران حل خواهد شد و غرب به دوستی تبدیل میشود، هشدار دادند. رهبر انقلاب معتقدند که سیاستهای آمریکا و اروپا علیه ایران ریشه در دشمنی با اصل «انقلاب و اسلام» دارد و تغییر رفتار آنها تنها در گرو تغییر رفتار ایران نیست. دیپلماسی آینده باید بر اساس واقعبینی و پرهیز از خوشبینیهای بیجا شکل بگیرد و مسئولان باید بدانند که دشمن هرگز به دنبال منافع ملت ایران نیست، بلکه به دنبال منافع خودش است (Parsania, 2019).

در کنار توهمزدگی، پدیده «غربگرایی» نیز یکی از آسیبهای جدی است که گفتمان رهبری بهشدت با آن مخالف است. غربگرایی یعنی نگاه به غرب بهعنوان الگوی مطلق برای پیشرفت و توسعه، و وابستگی ذهنی و عاطفی به تأیید و رضایت قدرتهای غربی. برخی از جریانهای سیاسی در ایران معتقد بودند که برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی، چاره‌های جز سازش با غرب و پذیرش خواستههای آنها وجود ندارد. رهبر انقلاب این رویکرد را نوعی عقب‌نشینی فرهنگی و سیاسی میدانند که عزت و استقلال ملت را خدشه‌دار میکند. ایشان تأکید دارند که تکرار تجربه تلخ دوران قاجار و پهلوی، که در آن کشور با تکیه به غرب عقب ماند، نباید در جمهوری اسلامی تکرار شود.

مقام معظم رهبری با تشبیه مذاکره با غرب به «مبارزه در میدان جنگ»، خواستار واقعبینی کامل تیم مذاکرهکننده بوده‌اند. در این دیدگاه، طرف مقابل دشمنی است که برای شکستن اراده ملت ایران از تمام ابزارها، از جمله دروغ، فشار و وعدههای پوچ استفاده میکند. پرهیز از توهمزدگی به این معناست که مذاکرهکننده ایرانی باید همواره نسبت به نیت‌های شوم دشمن هوشیار باشد و بدانند که لبخند دیپلماتیک غریبه‌ها، پنهانکننده دندانهای تیز دشمنی است که به دنبال تضعیف توان نظامی و علمی ایران است. این هوشیاری، مانع از آن میشود که ملت ایران در دام توطئههای پیچیده دیپلماتیک گرفتار شود (Mohammadi, 2024).

عواقب غربگرایی و توهمزدگی را میتوان در ماجرای برجام بهوضوح مشاهده کرد. کسانی که با توهم بهبود روابط پس از برجام، برنامه‌های اقتصادی کشور را متوقف کردند و تولیدکنندگان را در انتظار رفع تحریمها نگه داشتند، عملاً به اقتصاد کشور ضربه زدند. وقتی آمریکا از برجام خارج شد و اروپا نیز تعهداتش را انجام نداد، این توهمها فرو ریخت و مشخص شد که هیچ راه میانبری برای پیشرفت کشور وجود ندارد. رهبر انقلاب با پیشبینی این سناریو، بارها تأکید کرده بودند که نباید آینده کشور را به گره‌های خارجی گره زد و باید با تکیه بر توان داخلی، مسیر پیشرفت را هموار کرد (Rezaei, 2019).

در نهایت، گفتمان رهبری بر این نکته تأکید دارد که دیپلماسی موفق، دیپلماسی مبتنی بر اعتماد به نفس و استقلال است، نه دیپلماسی مبتنی بر التماس و توهم. پرهیز از غربگرایی به این معنا نیست که ایران با دنیا قطع رابطه کند، بلکه به این معناست که روابط باید بر اساس احترام متقابل و منافع ملی باشد، نه بر اساس ذلت و وابستگی. رهبر انقلاب معتقدند که اگر مسئولان از توهمزدگی رها شوند و به توان ملت ایران ایمان داشته باشند، میتوانند در عرصه بینالمللی سرفراز باشند و اجازه ندهند هیچ قدرتی برای آنها تعینتکلیف کند. این نگاه واقع‌بینانه، ضامن بقای و پیشرفت جمهوری اسلامی در برابر توطئههای دشمنان است.

ارزیابی دیپلماسی ایران در پرتو این محورها

ارزیابی عملکرد دیپلماسی ایرانی در دوران قبل و بعد از برجام نشان می‌دهد که هر زمان تیم مذاکره‌کننده با تکیه بر محورهای گفتمانی رهبری و با در نظر گرفتن اصل «بیاعتمادی» وارد مذاکره شده، توانسته است از حقوق ملت دفاع کند و توافقی را شکل دهد که حداقلها را حفظ کند. توافق اولیه برجام اگرچه دارای نقاط ضعفی بود، اما به دلیل رعایت برخی خطوط قرمز، مانند عدم پذیرش ممنوعیت تحقیق و توسعه در حوزه نظامی و حفظ ساختار هسته‌ای، حاصل همین هوشیاری بود (Dehghani Firouzabadi & Firouzi, 2012).

با این حال، خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و عدم پایبندی اروپا به تعهداتشان، دقیقاً صحت و درستی محورهای گفتمانی رهبری را مبنی بر «بیاعتمادی به غرب» و «لزوم داشتن گزینه‌های روی میز» به اثبات رساند. تجربه نشان داد که تکیه صرف بر توافق کاغذی بدون توجه به توان داخلی و بدون در نظر گرفتن ماهیت سلطه‌جویانه غرب، نمیتواند ضامن امنیت و منافع کشور باشد.

تحلیل انتقادی عملکرد دولتهای غربی در تعهدات برجامی

یکی از ارکان اصلی گفتمان مقام معظم رهبری در خصوص تعامل با قدرتهای جهانی، اصل «بیاعتمادی به غرب» است که ریشه در شناخت عمیق از ماهیت سلطه‌جویانه و استکباری دولتهای غربی دارد. تجربه عملکرد این دولتها در تعهدات برجامی، بهترین شاهدهی است که صحت و درستی این تحلیل راهبردی را به اثبات میرساند. از همان آغاز اجرای برجام، اگرچه ایران بهطور کامل و تحت نظارت آژانس بینالمللی انرژی اتمی به تعهدات خود عمل کرد، اما طرفهای غربی، بهویژه ایالات متحده و اروپا، همواره در اجرای کامل تعهدات خود کوتاهی کردند. این رویکرد نشان داد که برای دولتهای غربی، توافقات بینالمللی ابزاری برای دستیابی به اهداف کوتاهمدت است و در صورت تغییر شرایط سیاسی یا داخلی، بهراحتی از آنها عبور میکنند (Mahdavizadeh, 2024).

نقطه عطف و آشکارترین نمونه از بدعهدی غرب، خروج یکجانبه و غیرقانونی دولت آمریکا از برجام در اردیبهشماه ۱۳۹۷ توسط دونالد ترامپ بود. این اقدام که در تضاد کامل با مواد ۲۶ و ۲۸ کنوانسیون وین و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود، نهتنها با محکومیت بینالمللی جدی روبهرو نشد، بلکه کشورهای اروپایی ادعای طرفداری برجام نیز عملاً در برابر این زیادهخواهی سکوت کردند یا همراهی کردند. این رویداد بهوضوح نشان داد که سیاست خارجی آمریکا و متحدانش بر پایه پیمان شکنی استوار است و هیچ تضمینی برای پایداری توافقات با این دولتها وجود ندارد، مگر اینکه متکی بر قدرت و توان داخلی باشد (Mohammadi, 2024).

پس از خروج آمریکا، دولتهای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان) با ادعای حفظ برجام و معرفی سازوکار مالی اینستکس، وعده دادند که خسارات ناشی از خروج آمریکا را جبران کنند. اما در عمل، این سازوکار هرگز به مرحله اجرای کامل نرسید و نتوانست کمترین اثری در بهبود روابط تجاری و بانکی ایران داشته باشد. اروپاییها عملاً تحت فشار سیاسی و اقتصادی آمریکا قرار گرفتند و منافع استراتژیک خود را با واشنگتن اولویتدارتر از تعهدات قانونی خود به ایران دانستند. این رفتار اروپا ثابت کرد که در مواقع حساس، اروپا نیز همانند آمریکا در صف دشمنی با ملت ایران قرار میگیرد و تفاوتی میان دموکراتها و جمهورییخواهان یا اروپا و آمریکا در اصل فشار بر نظام اسلامی وجود ندارد. علاوه بر عدم اجرای تعهدات اقتصادی، دولتهای غربی با بهره‌گیری از ابزارهای رسانهای و دیپلماتیک، تلاش کردند تا ایران را بهعنوان عامل اصلی تنشها و نقض برجام معرفی کنند. این پروژه ایرانهراسی و سیاسیسازی آژانس بینالمللی انرژی اتمی، با هدف انزوای ایران و توجیه فشارهای حداکثری طراحی شد. در حالی که گزارشهای متعدد آژانس تأیید میکرد که ایران تا زمان خروج آمریکا به تمام تعهدات پایبند بوده

است، غربیها با چرخاندن ادبیات رسانهای، واقعیتها را وارونه جلوه دادند تا فشارهای روانی و سیاسی را بر ملت ایران تشدید کنند. این رویکرد نشاندهنده استفاده ابزاری از اخلاق و قوانین بینالمللی توسط غربیها برای پیشبرد اهداف زیادهخواهانه خود است (Kazemi, 2024). در سال ۱۴۰۱ و اوایل ۱۴۰۲، با روی کار آمدن دولت بایدن در آمریکا، مذاکراتی برای احیای برجام در وین و دوحه آغاز شد. اگرچه ایران با نیت خیر و انعطاف‌افراوان وارد این مذاکرات شد و پیشنویس توافق آماده شد، اما دولت آمریکا بار دیگر با زیادهخواهیهای جدید و عدم تضمینهای لازم برای عدم تکرار تجربه ترامپ، عملاً میز مذاکره را ترک کرد. در سال ۱۴۰۲، دولت بایدن با وجود شعارهای انتخاباتی برای بازگشت به توافق، در عمل به سیاست فشار حداکثری ادامه داد و حتی تحریمهای جدیدی را علیه ایران وضع کرد. این روند نشان داد که تغییر چهرهها در کاخ سفید تغییری در ماهیت استکباری سیاستهای این کشور ایجاد نمیکند و آمریکا همچنان به دنبال امتیازگیری یکطرفه و بدون هیچ تعهدی است. در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، با گذشت زمان و افزایش فشارهای بینالمللی، غربیها رویکرد خود را از مذاکره مستقیم به ترکیبی از فشار نظامی، ترور و پروژسازای سیاسی تغییر دادند. در این سالها، دولتهای غربی به جای تلاش برای احیای توافق، با سوءاستفاده از اختلافات منطقه‌ای و همسویی با رژیم صهیونیستی، امنیت ملی ایران را هدف قرار دادند. در سال ۱۴۰۴، با توجه به پیشرفتهای چشمگیر ایران در حوزههای دفاعی و هستهای و کاهش اثرگذاری تحریمها، عملاً پرونده برجام توسط خود غربیها به حاشیه رفت. این وضعیت تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «آمریکا و غرب قابل اعتماد نیستند» و تنها راه نجات، تکیه بر توان داخلی و نادیده گرفتن توهم مذاکره برای حل مشکلات اساسی بود (Azizi, 2023).

در نهایت، ارزیابی عملکرد دولتهای غربی در برجام نشان میدهد که تکیه بر توافقه‌های کاغذی بدون پشتوانه قدرت داخلی، خطایی استراتژیک است. تجربه برجام بهخوبی درس داد که غرب به دنبال خلع سلاح ایران و توقف پیشرفتهای علمی و هستهای کشور است و از هر ابزاری برای این منظور استفاده میکند. بدعهدیهای مکرر، نقض عهد، و استفاده زورمدارانه از ابزارهای تحریم، همه مؤید این واقعیت است که در گفتمان مقام معظم رهبری، «دشمنشناسی» و «بیاعتمادی» نه یک شعار احساسی، بلکه یک ضرورت اجتنابناپذیر برای حفظ امنیت و منافع ملی در برابر قدرتهایی است که اصول اخلاقی و تعهدات بینالمللی را نادیده میگیرند.

اقتصاد مقاومتی؛ راهکار برونرفت از بحرانهای ناشی از وابستگی به غرب

یکی از محورهای اساسی در گفتمان مقام معظم رهبری، تأکید بر اقتصاد مقاومتی بهعنوان تنها راهکار پایدار برای عبور از فشارهای اقتصادی و تحریمهای غربی است. تجربه برجام بهوضوح نشان داد که وابستگی اقتصاد کشور به فروش نفت و ارتباطات بانکی با غرب، نقطه ضعف بزرگی است که دشمنان همواره از آن برای اعمال فشار و اخذی استفاده میکنند. رهبر انقلاب همواره هشدار دادهاند که حل مشکلات اقتصادی نباید به گره خوردن به توافقه‌های خارجی و امید به رفع تحریمها منوط شود؛ زیرا این رویکرد باعث میشود کشور در یک انتظار بیهوده و سردرگمی باقی بماند و برنامه‌های توسعه‌ای خود را متوقف سازد. اقتصاد مقاومتی در واقع یک استراتژی دفاعی است که با تکیه بر توانمندیهای داخلی، مانع از نفوذ اقتصادی و سیاسی دشمن میشود (Rezaei, 2019).

اقتصاد مقاومتی بر این باور است که منابع عظیم انسانی، طبیعی و جغرافیایی ایران، ظرفیت آن را دارد که بدون اتکا به بیگانگان، به رشد و شکوفایی برسد. در این مدل، تمرکز بر دانشبنیان کردن اقتصاد، افزایش تولید داخلی، و جلوگیری از واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، در اولویت قرار میگیرد. وقتی کشور بتواند نیازهای اساسی خود را از طریق تولید داخل تأمین کند، ابزار تحریم و فشار غرب از کار میافتد.

مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید دارند که «اگر به توان داخلی خود تکیه کنیم، تحریمها نهنتها ضرری نمیرسانند، بلکه میتوانند به فرصتی برای رشد و خودکفایی تبدیل شوند»، موضوعی که در سالهای اخیر در صنایع دفاعی و هستهای به اثبات رسیده است. یکی دیگر از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و مقابله با اسراف در سطح کلان و خرد است. وابستگی به غرب اغلب ناشی از یک فرهنگ مصرفگرایی است که کالاهای خارجی را برتر از کالاهای ایرانی میداند. گفتمان رهبری بر این است که با تغییر فرهنگ عمومی و حمایت از کالای ایرانی، میتوان بازارهای داخلی را از تسلط برندهای خارجی آزاد کرد. این کار نهنتها باعث حفظ ارز در کشور میشود، بلکه با ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، امنیت اجتماعی و اقتصادی را نیز تقویت میکند. بنابراین، اقتصاد مقاومتی تنها یک برنامه اقتصادی نیست، بلکه یک حرکت فرهنگی - اجتماعی برای استقلال و عزت ملی است (Azizi, 2023).

در عرصه روابط خارجی، اقتصاد مقاومتی راهبردی را دنبال میکند که بر «نگاه به شرق» و توسعه همکاریها با کشورهای مستقل و همسو تأکید دارد. کاهش وابستگی به سیستم بانکی و تجاری غرب، مستلزم تنوعبخشی به شرکای تجاری و اتصال به بازارهای نوظهور آسیایی و اوراسیایی است. رهبر انقلاب بارها تصریح کردهاند که دنیا به سمت چندقطبی شدن میرود و سلطه غرب در حال فروپاشی است. اقتصاد مقاومتی با شناسایی فرصتهای جدید در جهان، اجازه نمیدهد که غرب با انحصار تکنولوژی و بازارها، کشور را تحت فشار قرار دهد و ایران را در انزوا نگه دارد.

در نهایت، اقتصاد مقاومتی تضمینکننده پایداری نظام و امنیت ملی در برابر توطئههای دشمنان است. غربیها تلاش دارند با ایجاد فشار اقتصادی، نارضایتی عمومی ایجاد کرده و اهداف سیاسی خود را پیش ببرند. اما وقتی اقتصاد کشور بر پایه تولید و توان داخلی بنا شده باشد، تأثیرپذیری جامعه از نوسانات سیاسی خارجی کاهش مییابد. تجربه نشان داده است که هر زمان مسئولان اجرایی کشور با جدیت بر شعارهای اقتصاد مقاومتی عمل کردهاند، تورم کنترل شده و رونق تولید اتفاق افتاده است. بنابراین، پیروی از محورهای گفتمانی رهبری در حوزه اقتصاد، تنها راه برای برونرفت از بحرانهای فعلی و جلوگیری از وابستگی مزمن به غرب است (Mohammadi, 2024).

درسهای راهبردی ماجرای برجام برای دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی ایران

مهمترین درس راهبردی که ماجرای برجام برای دیپلماسی آینده ایران به همراه دارد، ضرورت «تغییر باور نسبت به غرب» و پذیرش این واقعیت است که توافقیهای کاغذی نمیتوانند تضمینکننده امنیت و منافع ملی باشند. تجربه برجام نشان داد که حتی در صورت پذیرش هزینههای سنگین و انعطافپذیریهای فراوان، دولتهای غربی به دلیل ماهیت سلطهجویانه خود، پایبند به تعهداتشان باقی نمیمانند. بنابراین، دیپلماسی آینده ایران باید بر این اصل استوار باشد که مذاکره تنها یک ابزار تاکتیکی است و نباید بهعنوان یک استراتژی اصلی برای حل همه مشکلات، بهویژه در حوزه اقتصادی، تلقی شود. اعتماد به وعدههای غربیها و انتظار برای لغو تحریمها، بزرگترین تلهای است که باید در سیاستهای آینده بهدقت از آن اجتناب شود.

درس دوم، لزوم تکیه بر «قدرت سخت و توان داخلی» بهعنوان پشتوانه اصلی مذاکره است. در گفتمان مقام معظم رهبری، همواره بر این نکته تأکید شده است که قدرت چانهزنی در عرصه بینالملل، رابطه مستقیمی با قدرت و اقتدار داخلی دارد. ماجرای برجام ثابت کرد که هر زمان مذاکرهکنندگان ایرانی با دست خالی و با امید به توافق وارد میز مذاکره شدند، طرف مقابل زیادهخواهیهای بیشتری کرد. دیپلماسی آینده باید طوری طراحی شود که پیش از هرگونه مذاکره، ابهامزدایی در توان دفاعی و علمی کشور انجام شده و غرب بداند که ایران گزینههای متعددی روی میز دارد و مذاکره تنها راهحل ملت ایران نیست، بلکه یکی از گزینههای یک قدرت برتر است.

درس سوم، اهمیت «هوشیاری در برابر نفوذ و حفظ خطوط قرمز» است. غریبها در جریان مذاکرات برجام تلاش کردند تا از طریق ایجاد شبکههای ارتباطی و نفوذ در بدنه تصمیمگیری، ساختارهای فکری و امنیتی ایران را تغییر دهند. دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی باید با هوشیاری کامل، مرز بین تعامل سازنده و نفوذ مخرب را تشخیص دهد. این بدان معناست که مذاکره نباید به قیمت تسلیم در برابر خواستههای غیرقانونی یا عادیسازی روابط با رژیم صهیونیستی تمام شود. حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی، و عدم پذیرش هرگونه محدودیت در پیشرفتهای علمی و دفاعی، خطوط قرمزی است که نباید در هیچ معاملهای معامله شود.

درس چهارم، ضرورت «تنوعبخشی به شرکای بینالمللی و نگاه به شرق» است. وابستگی دیپلماسی ایران به غرب و اروپا، یکی از نقاط ضعف بزرگ در ماجرای برجام بود که باعث شد غریبها با سوءاستفاده از این نیاز، ایران را تحت فشار قرار دهند. دیپلماسی آینده باید با اولویتبندی روابط با قدرتهای نوظهور شرق، کشورهای مستقل و همسایگان، وابستگی به غرب را کاهش دهد. توسعه همکاریهای راهبردی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، چین، و کشورهای منطقه، میتواند توازن قدرت را به نفع ایران تغییر دهد و غرب را وادار کند که با احترام بیشتری با منافع ملی ایران برخورد کند (Mahdavizadeh, 2024).

در نهایت، درس پنجم بر هماهنگی میان «دیپلماسی و اقتصاد مقاومتی» تأکید دارد. ماجرای برجام نشان داد که اگر اقتصاد کشور آسیبپذیر و وابسته باشد، دشمن میتواند از همین نقطه ضعف برای امتیازگیری در میز مذاکره استفاده کند. دیپلماسی آینده باید بازوی اجرایی اقتصاد مقاومتی باشد و هدف آن، جذب سرمایهگذاری خارجی در چارچوب منافع ملی و انتقال تکنولوژی باشد، نه وابسته کردن اقتصاد به کمکهای خارجی. با تقویت بنیه اقتصادی داخلی و کاهش اثرگذاری تحریمها، ایران میتواند از موضع قدرت و با اعتماد به نفس کامل در عرصه جهانی حضور یابد و از مذاکره بهعنوان ابزاری برای صلح و پیشرفت استفاده کند.

نتیجهگیری

ارزیابی عملکرد دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دولتهای غربی در موضوع برجام، نشان میدهد که تکیه بر محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری، تنها راهکار برای حفظ عزت و منافع ملی بوده است. تجربه سالهای پس از برجام، بهویژه خروج آمریکا از این توافق در سال ۱۳۹۷، بهوضوح صحت اصل «بیاعتمادی به غرب» را که رهبر انقلاب همواره بر آن تأکید داشتند، به اثبات رساند. تحولات سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴ نیز نشان داد که تغییر ادبیات و رویکردهای غربی، تغییری در ماهیت استکباری و زیادهخواهی آنها ایجاد نکرده است. در این سالها، علیرغم تلاشهای دیپلماتیک برای رفع تحریمها، دولتهای غربی با سیاستهای فشار حداکثری و پروژههای سیاسی، عملاً نشان دادند که قصد تعامل سازنده و محترمانه با ایران را ندارند و تنها به دنبال امتیازگیری یکطرفه هستند.

در سال ۱۴۰۲، با وجود تغییر دولت در آمریکا و وعدههای پوچ برای بازگشت به توافق، واقعیت میدانی نشان داد که غرب همچنان به دنبال ابزارهایی برای تضعیف قدرت نظامی و علمی ایران است. در این سال، گفتمان رهبری مبنی بر «تکیه بر توان داخلی و اقتصاد مقاومتی» بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مسئولان و دستاندرکاران دیپلماسی دریافتند که بدون تقویت بنیه اقتصادی داخلی و کاهش وابستگی به نفت و دلار، هیچ توافقی نمیتواند ضامن امنیت و رفاه کشور باشد. این سال درس داد که امیدوار بودن به غرب، مانعی بر سر راه پیشرفت و خودکفایی است و باید با واقعبینی سیاسی، توهمزدگی را کنار زد.

با ورود به سال ۱۴۰۴، وضعیت دیپلماسی ایران با غرب وارد فاز جدیدی شد. در این سال، با توجه به پیشرفتهای چشمگیر ایران در حوزههای دفاعی، هستهای و منطقه‌ای، و همچنین کاهش اثرگذاری تحریمها به دلیل شکستن هژمونی دلار، پرونده برجام عملاً توسط خود غریبها به

حاشیه رفت. این وضعیت تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «اگر شما مقتدر باشید، دشمن مجبور به عقب‌نشینی میشود». در سال ۱۴۰۴، ایران از موضع قدرت با جهان تعامل کرد و نشان داد که وابستگی به توافقاتی تحقیرآمیز، هیچ توجیهی در سیاست خارجی ندارد. یکی دیگر از دستاوردهای مهم تکیه بر گفتمان رهبری در این سالها، هوشیاری در برابر نفوذ و توطئههای فرهنگی - سیاسی بود. دیپلماسی ایرانی با درس گرفتن از تجربه برجام، مرزهای خود با غرب را بهدرستی تعریف کرد و اجازه نداد که مذاکرات به ابزاری برای تغییر باورهای انقلابی یا عادیسازی روابط با رژیم صهیونیستی تبدیل شود. در سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴، اولویت سیاست خارجی بر توسعه روابط با همسایگان، نگاه به شرق و عضویت در پیمانهای منطقه‌ای و بینالمللی معطوف شد که این امر، انزوای دیپلماتیک طراحیشده توسط غرب را خنثی کرد. در نهایت، جمع‌بندی ارزیابی دیپلماسی ایران در سالهای اخیر نشان میدهد که پیروی از محورهای گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای، ضامن بقای و پیشرفت جمهوری اسلامی بوده است. تجربه برجام و سالهای پس از آن ثابت کرد که غرب قابل اعتماد نیست و تنها راه نجات، تکیه بر خدا، اعتماد به نفس ملی و توان داخلی است. دیپلماسی آینده ایران باید با درس گرفتن از گذشته، بر اصول «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» استوار باشد و اجازه ندهد هیچ قدرت بیگانه برای ملت ایران تعیبتکلیف کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The present study evaluates the diplomacy of the Islamic Republic of Iran in relation to Western governments, with particular emphasis on the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), through the discursive axes articulated by Ayatollah Khamenei, Leader of the Islamic Republic of Iran. The JCPOA represents one of the most controversial and complex episodes in Iran's contemporary foreign policy because it was not merely a legal or diplomatic agreement, but also a site of ideological contestation over the meaning, limits, and risks of engagement with Western powers. Within this framework, the study argues that Iranian diplomacy toward the West cannot be understood only through conventional diplomatic variables, such as negotiation techniques, sanctions relief, or multilateral bargaining, but must also be examined through broader discursive principles including distrust of hegemonic powers, resistance to political infiltration, reliance on domestic capacity, preservation of scientific achievements, and the defense of national dignity. The discourse of the Islamic Revolution has consistently emphasized that relations with Western governments are shaped by asymmetrical power relations, historical memories of intervention, and the strategic use of pressure by dominant states (Parsania, 2019). From this perspective, the JCPOA became a practical test of whether diplomacy based on cautious engagement could protect national interests without producing dependence on Western commitments.

Methodologically, this study adopts a descriptive-analytical approach and examines the JCPOA as a case through which the discursive foundations of Iranian diplomacy can be evaluated. The article focuses on the relationship between political discourse and diplomatic practice, showing how the Leader's strategic warnings regarding Western unreliability, excessive optimism, and infiltration

shaped the normative framework within which negotiations were assessed. The analysis draws on studies of public diplomacy, national security, sanctions, Western policy behavior, and resistance diplomacy to explain why the JCPOA was understood in Iranian political discourse as both an opportunity for tactical negotiation and a warning against strategic dependence (Ahadi, 2009; Ashna, 2007). The study also considers the broader historical context of Western policies toward Iran, including sanctions, pressure campaigns, and securitizing narratives, because these factors demonstrate that the nuclear issue was not only a technical dispute but part of a wider contest over Iran's political independence and regional power (Dehghan, 2018). Accordingly, the study treats diplomacy not as a neutral administrative procedure, but as a field in which power, identity, ideology, and security interests intersect.

The findings indicate that the principle of distrust toward arrogant and hegemonic governments constitutes one of the central pillars of Ayatollah Khamenei's discourse on interaction with the West. This distrust is not presented as emotional hostility toward nations, but as a political and historical judgment derived from repeated experiences of broken commitments, coercive diplomacy, and instrumental use of international law by Western governments. In this regard, the unilateral withdrawal of the United States from the JCPOA in 2018, despite Iran's compliance as confirmed by international monitoring mechanisms, is interpreted as a decisive confirmation of the Leader's warnings about the instability and unreliability of Western promises (Amiri, 2022). The subsequent inability or unwillingness of European states to compensate for the American withdrawal further demonstrated that Europe, despite its different diplomatic language, remained structurally aligned with Washington in moments of strategic pressure (Azizi, 2023). This finding supports the view that agreements without enforceable guarantees and without strong domestic backing cannot secure national interests. Therefore, the JCPOA experience reveals that diplomatic engagement with the West must be conducted from a position of power, caution, and preparedness rather than from expectation, dependency, or optimism.

Another major finding concerns the relationship between diplomacy and the resistance economy. The study shows that one of the principal lessons of the JCPOA is that economic development and political stability should not be tied to external agreements or the presumed goodwill of Western governments. The discourse of resistance economy emphasizes endogenous growth, domestic production, knowledge-based industries, diversification of trade partners, and reduced vulnerability to sanctions (Mohammadi, 2024). The failure of Western states to fulfill their JCPOA-related economic commitments revealed the strategic risks of linking national economic planning to sanctions relief or Western banking channels. In this context, the "look to the East," regional cooperation, and engagement with non-Western economic blocs are presented not as isolationist policies but as mechanisms for reducing dependency and increasing diplomatic leverage (Kazemi, 2024). The study therefore argues that successful diplomacy must serve domestic empowerment rather than replace it. When diplomacy is separated from internal economic strength, it becomes vulnerable to pressure; however, when diplomacy is combined with resistance economy, it can function as an instrument for expanding national capacity and neutralizing coercive external policies.

The study also finds that vigilance against infiltration and cultural-political manipulation is a key dimension of the Leader's discourse on Western engagement. In this framework, infiltration is understood not only as intelligence penetration, but also as the gradual transformation of decision-making assumptions, cultural values, and strategic priorities through prolonged diplomatic, media, and institutional contact. Western pressure in the JCPOA process was accompanied by attempts to

reshape the narrative of responsibility, portray Iran as the source of instability, and normalize broader demands beyond the nuclear file, including constraints on defense and regional capabilities (Mousavi Esfahani, 2016; Rezaei, 2019). The study argues that this demonstrates the thin boundary between constructive interaction and strategic vulnerability. Negotiation is acceptable when it protects national interests, but it becomes dangerous when it weakens red lines, produces dependency, or allows external actors to influence domestic calculations. In this regard, the preservation of scientific achievements, especially in the nuclear field, and the protection of national security are treated as non-negotiable foundations of sovereign diplomacy (Mahdavizadeh, 2024). Thus, diplomacy must remain subordinate to national independence and revolutionary identity rather than becoming an avenue for gradual political or cultural concession.

In conclusion, the JCPOA experience demonstrates that the diplomacy of the Islamic Republic of Iran toward Western governments must be based on realism, independence, internal strength, and strategic vigilance. The central lesson of this case is that negotiation may be useful as a tactical instrument, but it cannot substitute for the long-term strategy of strengthening domestic capabilities, preserving scientific progress, and building economic resilience. The experience of the United States' withdrawal from the agreement and Europe's failure to fulfill its commitments showed that trust in Western promises without enforceable guarantees exposes the country to vulnerability and passivity. Future diplomacy should therefore avoid both isolation and dependency, pursuing interaction where it serves national interests while refusing any arrangement that weakens sovereignty, security, or dignity. The study concludes that adherence to the discursive axes of Ayatollah Khamenei provides a coherent framework for preventing the repetition of the JCPOA's bitter experiences and for advancing a model of diplomacy grounded in strength, independence, and sustainable national progress.

References

- Ahadi, A. (2009). Iran's Nuclear Program from the Perspective of Public Diplomacy. *Rahbord*, 18(51).
- Amiri, M. (2022). *National Security in the Digital Age and the Challenges of Infiltration*. Mizan Publications.
- Ashna, H. (2007). Public Diplomacy and Foreign Policy: Links and Objectives. *Political Knowledge*(5).
- Azizi, M. (2023). A Comparative Study of European and American Approaches toward the JCPOA. *European Studies*(42), 70-95.
- Dehghan, S. M. (2018). Diplomacy and Security: The Thin Boundaries of Infiltration. *Political Science*, 12(3).
- Dehghani Firouzabadi, S. J., & Firouzi, A. (2012). Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran during the Principlist Era. *Foreign Relations*, 4(2).
- Katouzian, N. (2019). *State and Law in Iran*. Enteshar Company Publications.
- Kazemi, M. (2024). Iran's Economic Diplomacy and the Look to the East in 2024. *Asian Studies*, 15(2).
- Mahdavizadeh, M. (2024). The Role of the Second Phase of the Revolution Statement in Orienting Resistance Diplomacy. *Political Thought*(58), 22-40.
- Mohammadi, R. (2024). The Impact of Sanctions on Iran's Economy and Exit Strategies. *Development Economics*(67).
- Mousavi Esfahani, M. (2016). *Soft War and Infiltration: Threats and Strategies*. Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei.
- Parsania, H. (2019). *Revisiting the Discourse of the Islamic Revolution: Ideals and Utopia*. Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Rezaei, A. (2019). Examining the Cultural Dimensions of Western Conspiracies in Nuclear Negotiations. *Strategic Studies*(45).
- Shariatmadari, H. (2021). *Anatomy of Arrogance: A Reading of Historical Documents*. Ettela'at Publications.